

* خدایا، تو را سپاس که زیبایی‌های آفرینش را برای ما آفریدی.
امام سجاد (ع)

بخش ۳

آموزش نشانه‌ها (۲)



در بازار

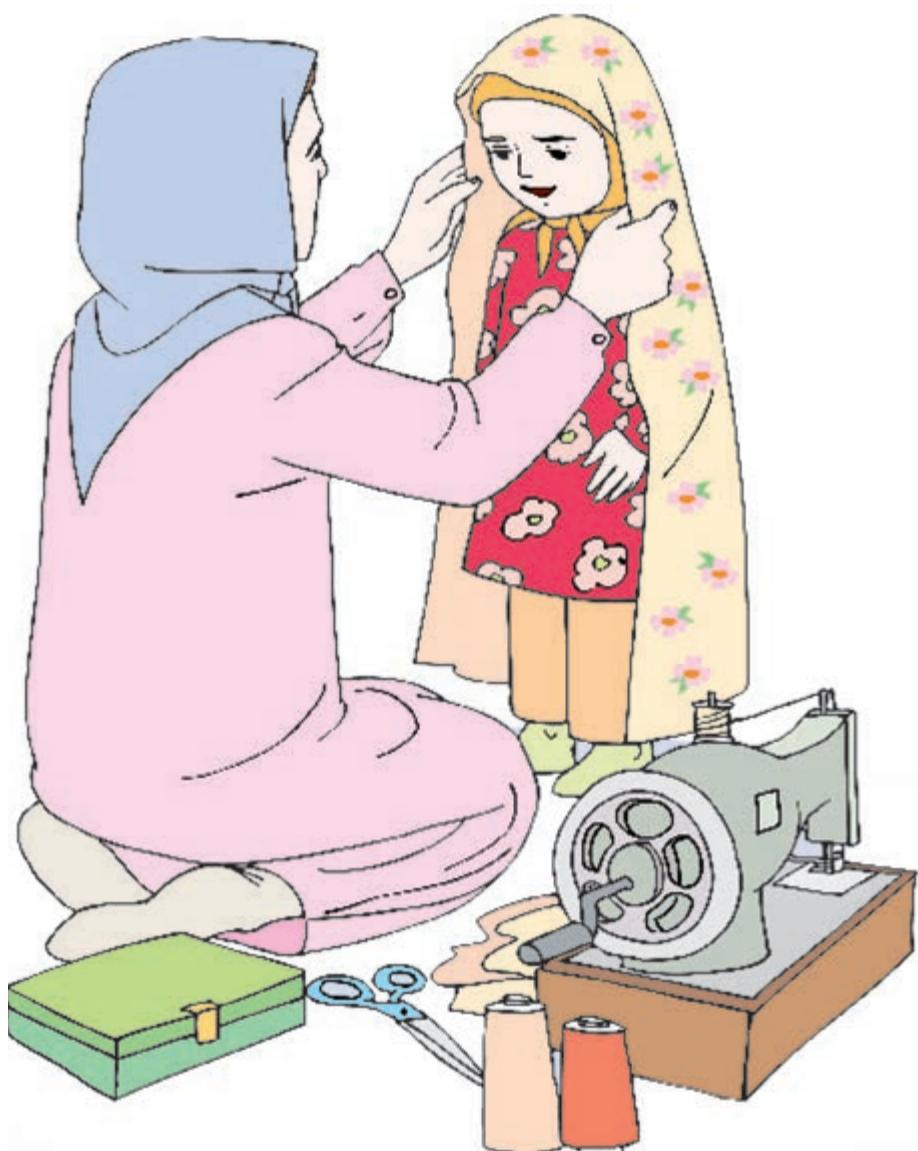
درس ۱۶

دیروز در بازار بودیم. مادرم از فروشگاه، پارچه‌ی گل دار قشنگی خریده بود. او در راه، دگان‌ها را به من نشان می‌داد و می‌گفت: این جا نجّاری است؛ نجّار، پخره، در و میز می‌سازد.



این جانانوایی است. آن جا کفاشی است.
سپس به یک قنادی رسیدیم. مادرم از قنادی شیرینی خرید. وقتی به خانه
رسیدیم، مادرم با آن پارچه، چادر نماز قشنگی برای من دوخت. من از او خیلی
تشکّر کردم.

۷



بین و بگو



به دوستانت بگو



گوش کن و بگو



● مادر پارچه‌ی چادر نماز را از کجا خرید؟

● مادر چه جاهایی را به دخترش نشان داد؟

● مادر از کجا شیرینی خرید؟

بازی



● هر یک از بچه‌ها، یکی از حروف الفبایی را که خوانده‌اند با سنجاق به پیراهن خود وصل کنند. آموزگار یا یکی از بچه‌ها کلمه‌ای، مانند «گلاب»، را می‌گوید و بچه‌ها به ترتیب کنار هم می‌ایستندند تا آن کلمه درست شود.

بگرد و پیدا کن



● کلمه‌هایی را که تشذید دارند.

● چیزهایی را که پوشیدنی و خوردنی هستند.

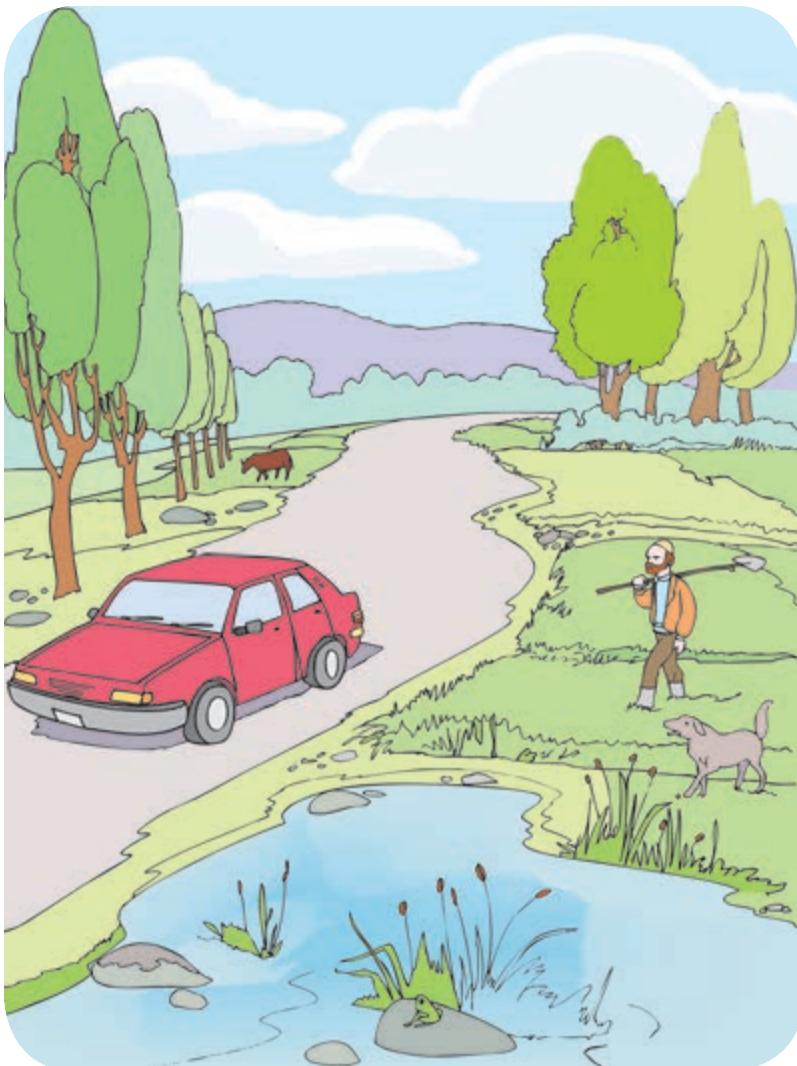
آیا تاکنون دریا را دیده‌ای؟ دریا بسیار زیبا و تماشایی است.

آسمانِ صاف و آبی دریا خیلی دیدنی است. صدف‌های سفید در کنارِ دریا، این جا و آن جا پرگانده است. صدایِ موج دریا به گوش می‌رسد. پرنده‌گانِ دریا، ماهی‌های ریز و درشت را شکار می‌کنند. جانورانی مانند هنگ، کوسه، اژه ماهی و هشت پا مخصوص دریا هستند.

صص



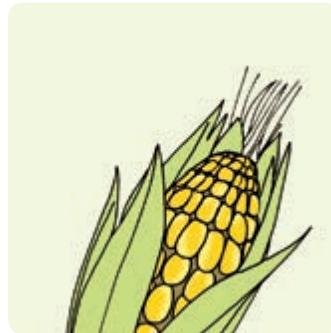
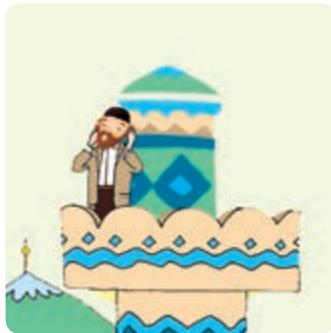
زنگ آخر بود. خانم آموزگار پرسید: کدام یک از شما تابستان گذشته به مسافت رفته اید؟ آذر دست بلند کرد و گفت: اجازه؟ تابستان گذشته با پدر، مادر و برادرم به مازندران رفتم. از دیدن جنگل‌ها، چشمه‌ها، کوه‌ها و شالیزارها لذت بردم. آن‌جا هوای خوب و دلپذیری داشت.



برادرم گفت:
«کاش می‌توانشم هرچه را که می‌بینم، بنویسم». مادرم گفت: «وقتی به مدرسه بروی، نوشتن را یاد می‌گیری اما تا آن زمان، هرچه را دیده‌ای، نقاشی کن».

ذ

بین و بگو



به دوستانت بگو

- در مسافت از دیدن چه چیزهایی لذت می‌بردی؟
- دریا چه چیزهایی را به یادت می‌آورد؟



آموزگار ابتدا وسیله‌ای را پنهان کند. سپس یکی از بچه‌ها چیزی را که آموزگار پنهان کرده است، پیدا کند و نام آن را بر روی تخته بنویسد (پیدا کردن با زدن ضربه به میز و زیاد شدن ضربه در صورت نزدیک شدن به آن چیز باشد.).

گوش کن و بگو

- چه جانورانی مخصوص دریا هستند؟
- آذر با چه کسانی به مازندران رفته بود؟



بگرد و پیدا کن

- کلمه‌هایی را که نشانه‌ی «د» دارند.
- کلمه‌هایی را که نشانه‌ی «ص ص» دارند.

كتاب خوانى



- داستان یکی از کتاب‌های خوبی را که تا به حال شنیده‌ای برای دوستانت بگو.



دریا

آرام و شادابی
بسیار زیبایی
پهناور و آبی
بهبه، تو دریایی
من در خیال خود
با قایقی زیبا
سوی تو ای دریا
سوی تو می‌آیم

جعفر ابراهیمی (شاهد)

درس ۱۸

علی و معصومه

علی و معصومه بچه های با آدب و پاکیزه ای هستند.
آن ها همیشه به دیگران سلام می کنند.
وقتی می خواهند به جایی وارد شوند، اوّل در می زنند.
برای استفاده کردن از وسایل دیگران، از آن ها اجازه می کیرند.



وقتی مُعلّم درس را شروع می‌کند، خوب به آن گوش می‌دهند.
بعد از درس، وسائلِ خود را جمّع می‌کنند.
بچه‌های با ادب و تمیز، پیش خداوه کس عَزیز هستند.

عِدْدَةِ حَصَّاتِ



مثلِ خورشید

شبی مهتابی بود.

من و پدرم به آسمان نگاه می‌کردیم.

پدرم گفت: ثُریا جان، آیا می‌دانی چه چیزی باعثِ

روشن شدن زمین می‌شود؟

من چند ثانیه فلک کردم و لفتم: نورِ ماه.

پدر گفت: آفرین دخترم! نورِ ماه در شب، مثل نورِ

خورشید در روز، باعث روشن شدن زمین می‌شود.

من آن شب مهتابی را فراموش نمی‌کنم.

ذٰث



بین و بگو



به دوستانت بگو

● برای این که بزرگترها را خوش حال کنی، چه کار می‌کنی؟



● یکی از دانشآموزان معلم می‌شود، از بچه‌های کلاس پرسش‌هایی می‌کند و آن‌ها پاسخ می‌دهند.

گوش کن و بگو



● علی و معصومه وقتی می‌خواهند به جایی وارد شوند، چه می‌کنند؟

● چه چیزهایی باعث روشن شدن زمین می‌شود؟



بگرد و پیدا کن

● کلمه‌هایی را که نشانه‌ی «ع» در آن‌ها به کار رفته است.

● کلمه‌هایی را که نشانه‌ی «ث» دارند.

كتاب خوانى

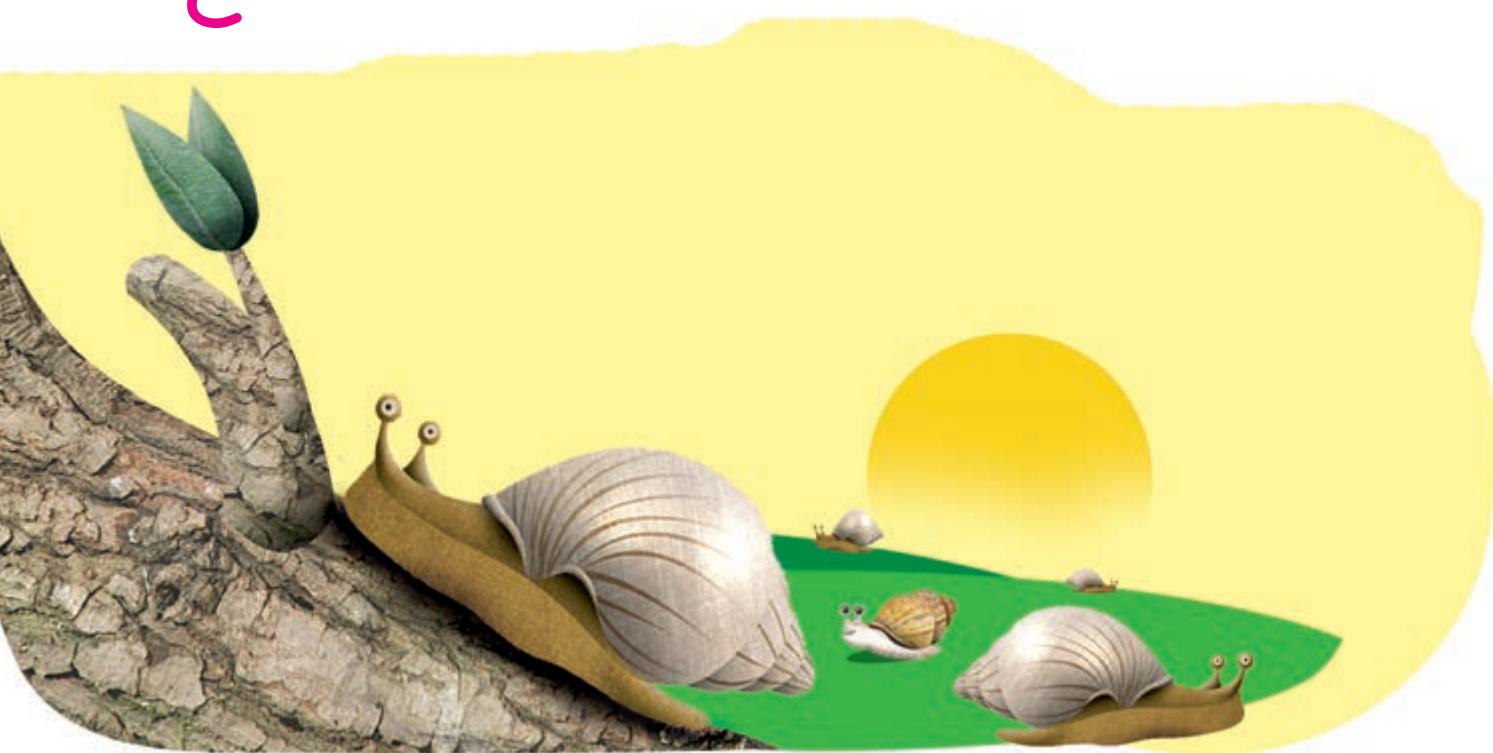


● داستانی را که هفتھی پیش خوانده شد، برای دوستانت تعریف کن.

آیا حَلَزُون دیده ای؟ حَلَزُون ها بدنی نرم دارند. بیش تر آن ها، یک صدف دارند که به پشت شان چسبیده است. هر وقت حَلَزُون احساس ترس می کند، همه بدنش را داخل این صدف می برد. حَلَزُون خیلی آرام حرکت می کند و هنگام حرکت، سر و بدنش از صدف بیرون است.

صُحُّ ها اگر کنار سبزه ها و مزرعه ها قدم بزنی، تعداد زیادی حَلَزُون می بینی. حَلَزُون وقتی حرکت می کند، اثرش روی زمین یا هر چیز دیگر باقی می ماند. برای همین است که به آسانی، راه برگشتن را پیدا می کند. آیا می دانی که به حَلَزُون، «حیوانِ خانه به دوش» می گویند؟

ح



بیین و بگو



به دوستانت بگو



- حیواناتی مانند جوجه‌تیغی و لاکپشت، هنگام ترس چه کار می‌کنند؟
- چه حیواناتی را می‌شناسی که مانند حلزون بدنی نرم دارند؟

گوش کن و بگو



- بدن حلزون چگونه است؟
- وقتی حلزون می‌ترسد، به کجا می‌رود؟
- حلزون چگونه راه برگشت خود را پیدا می‌کند؟



نمایش

- آموزگار دانش‌آموزان را به صورت گروهی تقسیم می‌کند و از هر گروه می‌خواهد که حیوان مورد علاقه‌ی خود را نام ببرند و در انتها، حرکت آن جانور را در کلاس نشان دهند.

بگرد و پیدا کن



- سه کلمه را که نشانه‌ی «ه» داشته باشد.
- کلمه‌هایی را که نشانه‌ی «ح» داشته باشد.

کتاب خوانی



● آیا از کتابی که خوانده شد، خوش آمده است؟ اسم کسانی را که در داستان بودند بگو.



با هم بخوانیم



دوست من!

با کمک آموزگار، شعر مناسبی از مجله‌ی رشد
پیدا کن و با دوستانت در کلاس بخوان.

